

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۲/۱

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

سال یازدهم، شماره ۴۲، تابستان ۱۳۹۶

بررسی و اثبات یکی بودن مهدی و ماشیح با تطبیق پیشگویی های عصر ظهور در عهد عتیق و منابع اسلامی

روح الله شاکری زواردهی^۱

فاطمه زهرا فقیه خراسانی^۲

چکیده

یهود در عهد عتیق معتقد است نظم حاکم بر جهان در آینده باید به نظم الهی سازمان یافته تبدیل گردد و با ظهور ماشیح موعود، قدرت های شیطانی نابود شوند و موحدان زندگی جاودانه یابند. اسلام نیز بر اساس آیات و روایات، معتقد به برقراری حکومت جهانی خداوند و سعادت عمومی بشر به دست مهدی موعود در آخرالزمان است. مقصود این پژوهش، اثبات یکی بودن مهدی و ماشیح از طریق بررسی تحلیلی دیدگاه دو دین بزرگ اسلام و یهود در باب پیش گویی های عصر ظهور و ویژگی های منجی موعود است؛ بدین منظور که به مبانی مشترک و صحیح بر اساس متون مقدس دو دین و بهره وری از آن ها در جهت رفع مسائل معرفتی و تفاهم ادیان و ملل نائل آیم. بدین جهت، شیوه توصیفی - تحلیلی با رویکرد تطبیقی را برگزیده ایم.

واژگان کلیدی

مهدی، ماشیح، یهود، اسلام، عهد عتیق.

۱. استادیار پردیس فارابی دانشگاه تهران.

۲. دانشجوی دکتری کلام امامیه پردیس فارابی دانشگاه تهران (fzsfkh@gmail.com).

مسئله مهم منجی موعود که هدایت‌گر بشر حیران امروز به سوی هدف والای الهی و امید به آینده روشن جهان است، دغدغه‌ای فراگیر و متعلق به اکثریت قریب به اتفاق ادیان و مکاتب است. از تعالیم انبیای یهود، امید به منجی آخرالزمان است که توسط انبیای بنی‌اسرائیل هم چون اشعیا، داوود و دیگران بیان شده است. (مزمور ۱۸: ۵۱؛ اشعیا ۱۱: ۱-۱۰) همان‌گونه که مسئله ظهور منجی و برقراری حکومت جهانی توحیدی وی در میان مسلمانان جایگاه ویژه‌ای دارد و عمده تعالیم جهان شمولی اسلام با محوریت آن می‌چرخد، در میان یهود نیز جایگاه مهمی داشته و اساساً قوم یهود با امید به آینده و نجات و پیروزی، مشقات را تحمل می‌کرد. در کتب مقدس یهود، اتفاق بر ظهور انسانی است که برای اصلاح جامعه ظهور خواهد کرد و با امداد نیروی الهی، همه مردم جهان، پیرو و فرمانبردار او خواهند شد. این منجی در عهد عتیق با نام‌های مختلفی از قبیل عبد یهوه، شاه عادل، شبان، پادشاه موعود، خداوند، پسر خدا، انسان، پسر انسان، پرهیزگار، برگزیده، مسیحا یا ماشیح یاد شده است. قائم در کتاب دانیال (دانیال ۱۲: ۱)، منصور در کتاب اشعیاوی نبی (اشعیا ۴۱: ۱۳)، شیلو در سفر پیدایش (پیدایش ۱۰: ۴۹) و ماشیح در مزامیر داوود (مزمور ۱۸: ۵۱) از اسامی مهم منجی در عهد عتیق است. برخی از این اسامی در کتاب مقدس با القاب حضرت مهدی علیه السلام هماهنگی و مطابقت دارد.

مسلمانان نیز معتقدند که عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام و حکومت جهانی و عدالت گستر او، فکر و اندیشه انسان را وسیع می‌سازد تا همه عالم را مملکت خدا بدانند و خیر و آسایش تمام مردم جهان را بخواهد که عاقبت و پیروزی با پرهیزگاران و صالحان است. روایات اسلامی با اشارات صریح درباره منجی موعود حتی نسب و نام او را ذکر می‌کنند و او را موعود جهانی و شاه زمان [امام زمان] می‌نامند. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۳۶، ۳۰۹) بر مبنای شریعت اسلام، دولت و حکومت مصلح موعود، ابدی خواهد بود و وسعت آن تمام جهان را شامل خواهد شد و دین او سرآمد تمامی ادیان خواهد بود. در قرآن کریم آیاتی در سوره‌های مختلف در باب حضرت مهدی علیه السلام و حکومت جهانی آن حضرت آمده است. همچنین روایات فراوانی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام در منابع شیعه و سنی نقل شده است که ویژگی‌های فردی، اوضاع عصر ظهور و ویژگی‌های حکومت آن حضرت را به دقت بیان نموده‌اند و به فراخور بحث در متن مقاله به آن‌ها خواهیم پرداخت.

ناگفته نماند که تاکنون پژوهشی با عنوان این مقاله دیده نشده و در آثار فارسی به

گونه‌های دیگر به موضوع مورد بحث پرداخته شده است. عمدتاً آثاری که در این باب است یا ناظر به جنبه خاصی از مسائل آخرالزمان و منجی است هم چون رجعت و زمان ظهور منجی از دیدگاه ادیان و... و یا با عناوینی کلی هم چون «منجی موعود در کتاب‌های مقدس، مجله موعود ۶۷»، «موعود در ادیان، مجله حصون ۱۲»، «موعودگرایی در قرآن و عهدین، محمد هادی یداله‌پور و دیگران» و «بررسی تطبیقی پیش‌گویی‌های آخرالزمان در اسلام، یهودیت و مسیحیت، فاطمه هدایتی و محسن نورائی»، به مباحث منجی در سه دین و یا ادیان دیگر می‌پردازند. این‌گونه آثار، مسئله محور نیستند و بیشتر به خود منجی، ویژگی‌های وی، بشارت به ظهور او و نهایتاً نشانه‌ها و حوادث پیش از ظهور می‌پردازند و در آن‌ها تطبیق و مقایسه چندانی نیز به چشم نمی‌خورد. بلکه مباحث سه دین را به صورت جداگانه و گزارش‌وار به ترتیب ذکر کرده و پردازشی نیز روی اشتراکات به صورت تطبیقی ندارند. ضمن این‌که تمرکزی بر روی متن عهد عتیق نیز در آن‌ها به چشم نمی‌خورد، بلکه به طور کلی به دیدگاه یهود در این باب می‌پردازند. ناگفته نماند که عمده آثار مشابه در این حوزه در حیطه عهد جدید و متون مسیحیت است. بنابراین بررسی تطبیقی موضوع مورد بحث از دیدگاه اسلام و یهود، با نگرشی جامع به منجی و حوادث عمده عصر ظهور و دوران حکومت جهانی وی و نیز ترجمه و تحلیل بر اساس متن عبری عهد عتیق در موارد مورد نیاز، به ندرت صورت پذیرفته است. ذکر این نکته ضروری است که در ترجمه کتاب مقدس، علاوه بر استفاده از ترجمه‌های متعدد فارسی و انگلیسی جهت مقایسه و تطبیق، مستقیماً به متن عبری عهد عتیق مراجعه شده و در ترجمه واژه‌های چالش برانگیز و نیز در مواردی که ایراداتی در ترجمه ملاحظه شده، واژه معادل دقیق‌تر جایگزین شده است.

بخش اول: بشارت به ظهور منجی موعود در یهود و اسلام

۱. منجی در عهد عتیق

«ظهور منجی» دوازدهمین اصل از اصول سیزده گانه دین یهود است و هر یهودی که اصل دوازدهم را قبول نداشته باشد یهودی نیست. یهودیان در باب منجی شک و شبهه‌ای ندارند. آنان با حربه منجی‌گرایی توانستند جامعه یهود را فریب داده و به فلسطین ببرند؛ زیرا معتقدند از شرایط تحقق ظهور این است که همه یهودیان در سرزمین مقدس جمع شوند. یهودیان به تصریح عهد عتیق، موعود خود را ماشیح پسر داوود می‌نامند. (مزمور ۱۸: ۵۱) در بخش‌های متعدد زبور داوود عليه السلام که تحت عنوان مزامیر در عهد عتیق آمده، اشاره‌ای به ظهور منجی

موعود، نویدی از پیروزی صالحان بر شریران، تشکیل حکومت واحد جهانی و تبدیل ادیان و مذاهب مختلف به یک آیین جاوید، موجود است. (مزمور ۲: ۶-۱۲؛ مزمور ۳۷: ۹-۱۱)

در بخش‌هایی از مزامیر و اشعیا، ماشیح موعود را از نسل داوود نبی علیه السلام معرفی می‌کند. جالب این‌جاست که اعراب نسل را از طریق پدر انتساب می‌دهند و یهودیان از طریق مادر. در باب نسب بنی اسرائیلی امام زمان علیه السلام باید گفت که اسحاق نبی علیه السلام جد مادری ایشان است. نرجس خاتون از نوادگان شمعون الصفا وصی عیسی علیه السلام است و از طریق ایشان به سلیمان علیه السلام و داوود علیه السلام و سپس به یسعی، پدر داوود علیه السلام می‌رسد. از یسعی به یهودا و یعقوب علیه السلام و در نهایت به اسحاق علیه السلام متصل می‌گردد.

آیه‌ای از مزامیر در عهد عتیق می‌گوید ماشیح از نسل پادشاه داوود علیه السلام است که در ادبیات دانشمندان یهود به «فرزند داوود» ملقب است:

نجات عظیمی به پادشاه خود می‌دهد، و به ماشیح خویش احسان می‌کند؛ یعنی به داوود و به ذریت او تا به ابد. (مزمور ۱۸: ۵۱)

کتاب اشعیا نبی نیز شامل نبواتی است که بخشی از آن‌ها اشارات دقیق از آمدن منجی موعود است:

و نهالی از تنه یسعی بیرون آمده، شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت و روح خدا بر او قرار خواهد گرفت... مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود. کمربند کمرش عدالت خواهد بود و کمربند میانش امانت. (اشعیا ۱۱: ۱-۴ و ۵)

قاموس کتاب مقدس می‌گوید:

یسعی به معنای قوی از القاب پدر حضرت داوود علیه السلام است. (هاکس، ۱۳۸۳: ۹۵۱)

بدین ترتیب منظور آیه، ظهور شخصی از نسل حضرت داوود علیه السلام است.

دانیال نبی نیز از آمدن امیری که قائم است پیش‌گویی می‌کند:

امیر عظیم میکائیلی که برای پسران توست، نامش قائم [ایستاده] است. او برخواید خواست. و چنان زمان تنگی خواهد شد که از حینی که امتی به وجود آمده است تا امروز نبوده، و در آن زمان هر یک از قوم تو که در دفتر مکتوب یافت شود رستگار خواهد شد. (دانیال ۱: ۱۲)

در باب دوازدهم، دانیال شرح وقایع تاریخ جهان را با نگرشی به زمان آخر به پایان می‌رساند. به توصیف وی، آن زمان چنان خواهد بود که تا امروز نبوده است. تنها اوضاع آخرالزمان

است که نسبت به آن چه در گذشته وجود داشت، بی سابقه است. منظور از زمان تنگی نیز سختی‌ها و ستم‌هایی است که قبل از ظهور منجی در سراسر جهان واقع می‌شود. بنابراین آن منجی که با این اوصاف برخورد خواهد خواست لزوماً منجی آخرالزمان است که از او به قائم و ایستاده تعبیر می‌کند. طبیعتاً این وصف تنها متعلق به حضرت مهدی است نه کسی دیگر. میکائیل به تصریح رساله یهودا (یهودا: ۹) رئیس و پیشوای فرشتگان است و سرور بزرگ میکائیلی که قائم خوانده شده و او را یگانه منجی بشریت در زمان تنگی و عسرت دانسته، قائم آل محمد است که هم چون میکائیل که رئیس فرشتگان است او نیز فرمانروای بشریت است. (صادقی تهرانی، ۱۳۹۲: ۲۳۱)

حجی نبی نیز این چنین می‌فرماید:

بیهوه چنین می‌گوید: یک دفعه دیگر آسمان‌ها و زمین و تمامی امت‌ها را متزلزل خواهم ساخت و آن‌گاه فضیلت جمیع امت‌ها [عصاره تمامی بشریت و بقیة الله] خواهد آمد و این خانه را از جلال خود پر خواهم ساخت... جلال آخر این خانه از جلال نخستینش عظیم‌تر خواهد بود. (حجی ۲: ۶-۷ و ۹)

این بشارت پس از اشاره به نشانه‌های ظهور در آسمان و زمین و سرنگونی تمام اقوام، به ظهور منجی بشریت اشاره می‌نماید. زیرا منظور از خانه خدا که در این بشارت آمده، خانه کعبه است و تعبیر فضیلت جمیع امت‌ها اشاره به ظهور حضرت بقیة الله دارد. این که خانه مورد نظر همان کعبه است به قرینه توصیفی است که آیه از آن ارائه می‌دهد و آن را خانه‌ای می‌نامد که از ابتدا جلال داشت و در آخر هم این خانه جلال خواهد یافت و جلال آن در زمان آخر عظیم‌تر از همه تاریخ خواهد بود. تنها خانه‌ای که از زمان نخستین برای خدا وضع شد خانه کعبه بود که از بدو تاریخ تاکنون قبله پرستش خداوند و مورد تقدیس موحدان و مشرکان بوده است. خداوند در سوره آل عمران از خانه کعبه و سرزمین بکه سخن می‌گوید و می‌فرماید: نخستین خانه‌ای که برای مردم قرار داده شد همان بکه [مکه] مبارکه است. ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا﴾ (آل عمران: ۹۳) چنان چه شریعتی که این خانه قبله آن است شریعت خاتم و جهانی باشد قطعاً جلال آخر آن ابدی خواهد بود و سرور تمام خانه‌ها خواهد شد. هر چند که متن عبری آیه ۹ بیشتر این‌گونه می‌نماید که «شکوه و عظمت آینده این خانه از شکوه و عظمت خانه قبلی بیشتر خواهد بود». اگر این برداشت از آیه صحیح باشد، گویا که از دو خانه سخن می‌گوید. یکی آن که قبلاً قبله بوده و دیگری آن که پس از آن در نهایت قبله خواهد شد و باشکوه‌تر از قبله پیشین خواهد بود.

علاوه بر آن در ترجمه‌های عربی و ترکی این فراز، «آرزوی جمیع امت‌ها برآورده خواهد شد» (سلیمان، ۱۳۸۶: ج ۱، ۵۶۴) آمده است که این معنا کاملاً با روایات اسلامی مطابق است. زیرا امیر مؤمنان علیه السلام در روایتی حضرت مهدی علیه السلام را پادشاهی نامید که مورد آرزوی جمیع امت‌هاست. (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲: ۴۷۶) ضمن این‌که از القاب معروف حضرت، مؤمل است؛ یعنی امید آینده و کسی که مورد آرزوی مردم است. (طوسی، ۱۴۰۳: ۱۳۴)

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود میان آن چه در عهد عتیق در باب منجی و ظهور وی بشارت داده شده، با آن چه در اسلام آمده است تعارضی مشاهده نمی‌گردد.

۲. وراثت زمین

خداوند در تورات زمین را به میراث ابراهیم و ذریه وی می‌بخشد:

خداوند به ابرام گفت: اکنون تو چشمان خود را برافراز و از مکانی که در آن هستی به سوی شمال و جنوب و مشرق و مغرب بنگر. زیرا تمام زمین را که می‌بینی به تو خواهم بخشید و به ذریه تو تا به ابد. و ذریه تو را مانند غبار زمین گردانم چنان‌که اگر کسی غبار زمین را تواند شمرد ذریه تو نیز شمرده شود. برخیز و در طول و عرض زمین گردش کن زیرا که آن را به تو خواهم داد. (پیدایش ۱۳: ۱۴-۱۷)

مقصود از زمین تنها زمین کنعان نیست، بلکه خداوند در تورات بشارت می‌دهد که ذریه ابراهیم تمامی زمین را مالک خواهند شد؛ چرا که به ابراهیم می‌فرماید از مکانی که در آن هستی یعنی کنعان، به دیگر نقاط یعنی شمال و جنوب و شرق و غرب بنگر. در آن زمان خداوند کنعان را به ابراهیم بخشیده بود. بنابراین وعده بخشش مجدد کنعان به ابراهیم، تحصیل حاصل و بیهوده است. سپس می‌فرماید ذریه تو قابل شمارش نیستند. قطعاً منظور از این عبارت، بنی اسرائیل که تنها ساکن کنعان بودند نمی‌باشد. چرا که ایشان همواره قلیل بوده و هستند. ذریه غیرقابل شمارش ابراهیم، ذریه اسماعیل و یا همان اعرابند که در سراسر زمین پراکنده شدند و بخش مهمی از جهان از جمله نیل تا فرات را در اختیار دارند و بقیه زمین نیز طبق وعده خداوند در آخرالزمان به ملکیت ایشان درخواهد آمد. همچنین خداوند پس از این مجدداً به ابراهیم فرمان گردش در طول و عرض زمین را می‌دهد و باز تأکید می‌فرماید زمین را به تو خواهم داد. ابراهیم علیه السلام به دستور خداوند دوبار جهت تبلیغ آیین خود، نقاط مختلف جهان را پیمود.

قرآن کریم نیز در تأیید وراثت زمین می‌فرماید: ﴿أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا...﴾ (انبیاء: ۱۰۵) زمین به ارث می‌رسد.

در اشعیا نیز آمده است:

نسلی از یعقوب و وارثی برای کوه‌های خویش از یهودا به ظهور خواهد رسید.
برگزیدگانم وارث آن و بندگانم ساکن آن خواهند بود. (اشعیا ۶۵: ۹)

در این فراز می‌فرماید که شخصی از نسل یهودا وارث زمین خواهد بود و به همراه او
برگزیدگان و صالحان بر زمین حکمرانی خواهند کرد. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾
(قصص: ۵).

در زبور داوود نیز به تصریح آیه «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ
الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵) آمده است:

خداوند روزهای صالحان را می‌داند و میراث ایشان ابدی خواهد شد... صالحان وارث
زمین خواهند بود و در آن تا به ابد سکونت خواهند کرد. (مزمور ۳۷: ۱۸ و ۲۹)

و در مزمور ۳۷ آمده است:

منتظر خداوند باش و طریق او را نگاه دار تا تو را به وراثت زمین برافرازد. (مزمور ۳۷:
۳۴)

مطابق فرمایش این آیه، منتظران منجی و زمینه‌سازان ظهور وی، کسانی هستند که
خداوند زمین را به ایشان عنایت خواهد فرمود. چرا که داوود علیه السلام می‌فرماید کسانی که
می‌خواهند به آن عصر درخشان برسند باید بر صراط مستقیم پا برجا بمانند و دین خداوند را
حفظ کنند.

بنابراین با نظر به بشارات متعدد عهد عتیق و قرآن کریم به این نتیجه می‌رسیم که در
آخراالزمان، زمین میراث منجی موعود از ذریه ابراهیم خواهد شد و او بر آن حکمرانی خواهد
نمود و به همراه وی، صالحان و برگزیدگان در زمین سکونت خواهند ورزید.

۳. مطابقت پیش‌گویی‌های عهد عتیق در باب حضرت محمد صلی الله علیه و آله و حضرت محمد بن
الحسن علیه السلام

حضرت سلیمان علیه السلام در فصل پنجم سرودهای سلیمان، پیامبر آخراالزمان و منجی آخراالزمان
را توصیف کرده و ایشان را به بهترین وجه ستوده است:

محبوب من رویش سفید و سرخ‌فام است و در میان ده‌هزار بیرق دار است. سر او مثل
زر خالص و طره‌های آویزانش مثل زاغ سیاه‌فام است. (غزل غزل‌های سلیمان ۵: ۱۰-)

و در آیه ۱۶ موافق اصل عبری به نام ایشان تصریح کرده، می‌فرماید:

حکو ممتقیم وکلو مَحْمَدیم (mhm̄dim / 𐤌𐤇𐤌𐤃𐤀 / مح‌م‌دیم) زه دودی وزه زعی
بنوت یروشالام». یعنی: «دهان او شیرین است و وجود او مح‌م‌د (محمّد) است. این
است محبوب من و این است یار من، ای دختران اورشلیم». (غزل غزل‌های سلیمان
۱۶: ۵)

واژه عبری «𐤌𐤇𐤌𐤃𐤀» که در متن آیه آمده است، در ترجمه‌های گوناگون به «نیکوترین»
ترجمه شده است. در حالی که مطابق اصول ادبی، ترجمه نام شخص، ممنوع می‌باشد. این
واژه در متن عبری به صورت حروف مقطعه (مح‌م‌دیم) آمده است. اما موقع قرائت (مَحْمَدیم)
خوانده می‌شود. (ایم) آخر، در زبان عبری نشان جمع است و در انتهای کلمه می‌آید و چنان‌چه
در انتهای اسم مفرد بیاید، نشان از احترام به شخص در هنگام خطاب است. بنابراین معنای
این کلمه می‌شود «محمد بزرگ». اما در مورد این‌که نام «محمد» به صورت حروف مقطعه به
کار رفته نیز خود جای تأمل دارد. همان‌طور که در روایات ما آمده است که نام حضرت
حجت علیه السلام را به دلایل متعدد، به صورت حروف جداگانه ذکر و کتابت کنیم، به نظر می‌آید در
کتب آسمانی پیشین نیز به همین سبک استعمال می‌شده است. در چندین جای عهد قدیم
این نام مبارک به صورت حروف مقطعه به‌کار رفته است. به نظر می‌رسد مقصود حضرت
سلیمان علیه السلام از این نام مبارک، دو نفر بوده است. او به‌گونه‌ای سخن گفته که هم آخرین رسول
را ستوده است و هم آخرین وصی را. این دوتن علاوه بر این‌که هم‌نام یکدیگرند، ویژگی‌های
آنان نیز همانند هم است. تورات وعده داده بود که محمدی قرار است بیاید. اما کدام؟
بسیاری از بشارات عهدین به‌گونه‌ای استعمال شده است که هم بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم
هماهنگی و تطبیق دارد و هم بر حضرت امام محمد المهدی علیه السلام.

اما شرح وصف سلیمانی آن است که اشاره به چهره سپید روی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و سرخی
درون چشمان ایشان می‌کند و نیز اشاره به ماجرای فتح مکه در سال هشتم هجرت دارد که
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم به همراه ده هزار تن از مسلمانان به مکه مکرمه نزول اجلال فرمودند و شهر
بدون خون‌ریزی به تصرف ایشان درآمد و اسلام در شبه جزیره عربستان به پیروزی کامل
رسید.

نیز لفظ محمد در این بشارت، به حضرت محمد بن الحسن علیه السلام نیز اشاره دارد که نامش
محمد است و برگزیده صفات و امتیازات پیامبران در وی جمع است و هم‌چون جدش رسول

اکرم، با ده هزار تن از یارانش در مکه قیام می‌کند. در روایات نیز آمده است که:

آن حضرت قیام نکند تا آن‌که لشکرش به ده هزار برسد. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۱، ۱۵۷)

امام صادق علیه السلام در باب چگونگی ظهور حضرت قائم علیه السلام فرمود:

ظهور او مانند ظهور رسول اکرم صلی الله علیه و آله است. (نعمانی، ۱۳۶۳: ۲۴۳؛ بحرانی، ۱۴۲۷:

(۱۱۵)

بنابراین چگونگی ظهور ایشان در عده و عده نیز باید هم چون جدش باشد. همان گونه که از نظر صورت و سیرت نیز شبیه‌ترین مردمان به حضرت رسول صلی الله علیه و آله می‌باشد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

مهدی هم نام من و کنیه اش کنیه من، و از نظر خلق و خلق، شبیه‌ترین مردم به من

است. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۳۶، ۳۰۹)

بدین سان توصیفات آیه بر هر دو تن قابل تطبیق است.

داوود علیه السلام می‌فرماید:

مقدسان در جلال مبتهج باشند و بر بستر خود بخروشند. تکبیرات بلند خدا در دهان

ایشان و شمشیر دو دمه در دست ایشان باشد. تا از امت‌ها انتقام کشیده و قوم‌ها را

تنبیه نمایند. (مزمور ۱۴۹: ۵-۷)

اشاره به نیروی الهی پیروان رسول الله صلی الله علیه و آله و تکبیر گفتن ایشان در صحنه جهاد و نیز پیش‌گویی از آمدن صاحب شمشیر دو دم دارد. آن‌که صاحب شمشیر دو دم می‌باشد علی بن ابی طالب علیه السلام است که با قوت از کفار و مشرکان انتقام کشید و بینی ایشان را به خاک مالید.

همچنین می‌تواند مشعر به یاران حضرت مهدی علیه السلام باشد که در هنگام ظهور از بسترهای خود بر می‌خیزند و با طی الارض، خود را به حضرت می‌رسانند و شعار تکبیر سر می‌دهند.

شمشیر دو دمه نیز میراث نبوت و امامت است که به حضرت رسیده و با آن خروج خواهد کرد. او از امت‌ها انتقام خواهد کشید و ستمگران را مجازات خواهد نمود.

مفضل از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

هنگامی که امر ظهور امضا شد، امام خدای را با نام عبرانی اش می‌خواند. آن‌گاه ۳۱۳

تن از یارانش به دور او گرد می‌آیند. عده‌ای از آنان شبانه از بسترهایشان ناپدید

می‌شوند و صبح در مکه می‌باشند. (نعمانی، ۱۳۶۳: ۳۱۳؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲،

(۳۶۸)

بخش دوم: دوران پس از ظهور منجی موعود

۱. حکومت منجی

در مزامیر می‌فرماید سلطنت خداوند با حکومت پادشاه موعود، ابدی خواهد شد: ای خداوند سلطنت تو ابدی است و حکومت تو از نسلی به نسل دیگر ادامه دارد. (مزمور ۱۴۵: ۱۳)

این‌جا مقصود از سلطنت و حکومت، تنها تسلط خداوند بر جهان به دلیل خالق و مدبر بودن نیست. بلکه او یک شاه و حاکم است. همچنین در مجموعه کتاب مقدس بارها از حکومت خدا به ملکوت تعبیر شده است. ملکوت، هم معرّف قلمرو الهی و هم نشان سلطنت خداست. در جای دیگر می‌فرماید که پادشاه از پیش تعیین شده است:

و من پادشاه خود را نصب کرده‌ام بر کوه مقدس خود صهیون. فرمان را اعلام می‌کنم. خداوند به من گفته است تو پسر من هستی. از من درخواست کن و امت‌ها را به میراث تو خواهم داد و اقصای زمین را ملک تو خواهم گردانید. ایشان را به عصای آهنین خواهی شکست. و الآن ای پادشاهان تعقل نمایید. خداوند را با ترس عبادت کنید و با لرز شادی نمایید. پسر را ببوسید مبادا غضبناک شود و از طریق هلاک شوید. (مزمور ۲: ۶-۱۲)

در مزمور دوم به صراحت اعلام می‌دارد که سلطنت آن پادشاه انتصابی است و باید از سوی خدا منصوب باشد. لذا همه باید از وی اطاعت کرده و سلاطین با ترس و لرز پای او را ببوسند و به او خدمت کنند. چرا که او خلیفه الله است و حکومت او حکومت خداست. باید توجه داشت که در این‌جا منظور از پسر، عیسی علیه السلام نیست؛ چرا که به گفته مسترهاکس، این کلمه در عهدین بیش از ۸۰ بار آمده است که تنها در ۳۰ مورد آن، حضرت مسیح علیه السلام اراده شده است. بقیه در مورد شخصی است که پس از مسیح علیه السلام ظهور خواهد کرد. (هاکس، ۱۳۸۳: ۲۱۹) هم‌چنان که به تصریح روایات اسلامی منجی، حضرت مهدی علیه السلام است و او امیر است و عیسی علیه السلام در مقام وزیر خواهد آمد، (سیدبن طاوس، ۱۴۰۳: ۸۳) پس پادشاه مقدس باید مهدی علیه السلام باشد. پس از عروج مسیح علیه السلام نیز منجی دیگری جز مهدی علیه السلام نخواهد آمد. بنابراین مراد از پسر در این عبارات مهدی علیه السلام است.

در کتاب اشعیا به بنی اسرائیل بشارت می‌دهد که پادشاه برگزیده، از مشرق زمین خواهد آمد؛ تمام دشمنان را شکست سختی خواهد داد و بر جهان مسلط خواهد شد: کیست که کسی را از مشرق برانگیخت؟ امت‌ها را به وی تسلیم می‌کند و او را بر

پادشاهان مسلط می‌گردانند... ای ذریت دوست من ابراهیم! که تو را از اقصای زمین گرفته و به تو گفته‌ام تو بنده من هستی تو را برگزیده‌ام. مترس زیرا که من با تو هستم و تو را به دست راست عدالت خود دستگیری خواهم نمود... اینک همه آنانی که با تو جنگ کنند، نیست و نابود خواهند شد. زیرا من یهوه خدای تو هستم. دست راست تو را گرفته به تو می‌گویم مترس زیرا من تو را نصرت خواهم داد. (اشعیاء ۴۱: ۸ و ۱۳)

از این فرازها چنین برمی‌آید که حکومت بر تمامی امت‌ها و تسلط بر اطراف و اکناف زمین، یکی از کارهایی است که شخص بشارت داده شده انجام می‌دهد. وی یقیناً ذریه ابراهیم و برگزیده خداست. خداوند خود او را منصوب فرموده است. او از سوی خداوند تأیید شده و منصور و غالب است. او فرمانروای بلامنازع خواهد بود و کسی یارای مقاومت در برابر وی را نخواهد داشت.

در تورات، پادشاه جهان را شیلو می‌نامد:

عصا [قدرت و حکومت] از یهودا دور نخواهد شد و نه فرمان‌فرمایی از میان پاهای وی [از پیش رویش]؛ تا شیلو بیاید. و مرا و را اطاعت امت‌ها خواهد بود. (پیدایش ۴۹: ۱۰)

مقصود این عبارت از دو حال خارج نیست. معنای نخست که از ظاهر آیه فهمیده می‌شود آن است که سبط یهودا همواره حکومت خواهد کرد تا زمانی که شیلو بیاید و چون شیلو آمد دیگر حکومت آنان به اتمام خواهد رسید. معنای دوم با توجه به ادعای خود یهود است که شیلو را از سبط یهودا می‌دانند و معتقدند سلطنت و حکومت از نسل یهودا جدا نمی‌شود تا آن که شیلو که از نسل یهوداست بیاید و شیلو همان منجی آخرالزمان است که تا پایان جهان حکومت خواهد کرد. با این تفسیر سلطنت تا ابد از آن یهودا خواهد بود و دیگر لزومی نداشت خداوند بفرماید «تا» شیلو بیاید. بنابراین طبق ادعای یهود، اگر شیلو همان منجی و از نسل یهودا باشد و حکومت هم برای یهودا ابدی شود، با ظاهر آیه در تناقض است که حکومت یهودا را تا زمان معینی مقرر می‌دارد. «تای زمانیه» به معنای اتمام یک امر و شروع امری متفاوت از آن است. مگر آن که بگوییم شیلو آخرین کسی است که از یهودا حکومت خواهد کرد و پس از آن یهودا حکومت را از دست خواهد داد و منجی دیگری ظهور خواهد کرد با حکومتی دیگر؛ که بدین ترتیب دیگر شیلو منجی آخرالزمان نخواهد بود. در هر صورت طبق ظهور آیه، حکومت یهودا یا قبل از شیلو و یا با شیلو باید تمام شود. راه حل این است که یا شیلو شخص دیگری غیر از بنی اسرائیل باشد و یا گرچه از نسل بنی اسرائیل است اما حکومت را از بنی اسرائیل خواهد گرفت.

اشعیا در جای دیگر منجی را این‌گونه توصیف می‌کند:

خداوند مثل جبار بیرون می‌آید و مانند مرد جنگی، غیرت خویش را برمی‌انگیزاند.
 فریاد کرده نعره خواهد زد و بر دشمنان خویش غلبه خواهد نمود. (اشعیا ۴۲: ۱۳)

اشعیا ی نبی در باب ۴۲ بشارت به آمدن کسی می‌دهد که قرار است انصاف و عدالت را برای همه امت‌ها در زمین جاری کند. (اشعیا ۴۲: ۱-۴) منجی مذکور، تمامی مستضعفان را رهایی خواهد بخشید (اشعیا ۴۲: ۷) و به تصریح آیات ۱۱ و ۱۲ صحرا و قریه‌های اهل قیدار و ساکنان سالع که تسبیح خدا را در جزیره‌ها می‌گویند، باید آواز خود را بلند نمایند. در این هنگام خداوند نعره زنان از میان آنان خروج خواهد کرد و غالب خواهد گردید. مقصود از صحرا و قریه‌های قیدار و ساکنان سالع و جزیره‌ها، منطقه شبه جزیره عربستان است که محل سکونت ذریه اسماعیل نبی است. چرا که در قاموس کتاب مقدس آمده است:

نبایوت نخست‌زاده حضرت اسماعیل علیه السلام است که اولادش در بلاد عرب سکنی گزیدند و شهر عمده ایشان سالع بوده است. (پیدایش ۲۵: ۱۳)

او پدر مشهورترین قبایل عرب بود و بلاد و مملکت ایشان نیز قیدار خوانده شده است. (هاکس، ۱۳۸۳، صص ۸۷۰ و ۷۰۶) بنابراین خداوند در این‌جا به قرینه آیات قبل و بعد این باب، کنایه از حضرت حجت و منجی موعود است که از منطقه حجاز و از میان اعراب برخواید خواست. همان‌طور که پیش‌تر ذکر کردیم، در عهد عتیق از ایشان گاه به خداوند و گاه به رئیس تعبیر می‌شود. می‌توان گفت معادل عربی آن، همان مولا است که هم برای خدا و هم رسول و ولی به کار می‌رود.

در روایات اسلامی در باب حکومت و فرمانروایی حضرت مهدی علیه السلام آمده است که آن حضرت با تأیید و نصرت خداوند، بر سرتاسر زمین مسلط شده و همگان در برابر او خواه و ناخواه منقاد می‌شوند. او زمین را از قسط و عدالت و نور و برهان پر می‌کند و طول و عرض جهان به تسلط او در می‌آید. تمامی اهل زمین ایمان آورده و به صلاح و تقوا می‌گرایند. (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲: ۴۸۷؛ حیدر کاظمی، ۱۴۱۰: ۱۹۷)

امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید:

قائم ما به وسیله ترس در دل دشمنان یاری می‌شود و با تأیید الهی پیروز می‌گردد. زمین برای او درهم پیچیده می‌شود. گنج‌های نهفته برای او آشکار می‌گردد. سلطنت او به شرق و غرب جهان می‌رسد. خداوند به وسیله او دین خود را بر همه ادیان پیروز می‌گرداند، اگرچه مشرکان دوست نداشته باشند و هیچ خرابه‌ای در روی زمین باقی

نمی ماند جز این که آباد می شود. (طبرسی، ۱۳۷۷: ۴۶۳؛ حیدر کاظمی، ۱۴۱۰: ۱۱۷)

بنابراین روایات اسلامی و آیات عهد عتیق در باب حکومت منجی و کیفیت آن، یکدیگر را تأیید می کنند و عمده پیش گویی ها در این باب مشترک است و اختلاف نظر قابل ملاحظه ای میان آن ها مشاهده نمی گردد.

۲. وحدت در دین خدا و جهان شمولی آن

مطابق وعده عهد عتیق، در زمان حکومت الهی منجی، تمام مردم در دین و اعتقاد متحد می شوند و تحت پرچم منجی موعود، دارای دین واحد توحیدی می گردند. قرآن و روایات اسلامی نیز بر این مطلب صحه می گذارند.

رو کنید به من و رستگار شوید، ای همه جمعیت زمین! که منم خدا و نیست دیگری [لا اله الا الله]. به خود سوگند می خورم. از دهان من سخنی به راستی بیرون آمد و برگشت ندارد. که همه آفریدگانم برای من زانو خم کنند و قسم خورند به من همه زبان ها. (اشعیا ۴۵: ۲۲-۲۳)

می فرماید فرمان توجه عموم بشر به سوی خدا صادر گردید و در آینده تمامی بشریت موحد شوند و این تخلف ناپذیر است.

و صفتیای نبی می فرماید:

خداوند می گوید برای من منتظر باشید. تا به جهت جمع کردن همه قوم ها بر شریعت خود، همه پادشاهان را برطرف کنم. تا غضب خود و تمامی حدت خشم خویش را بر ایشان بریزم و آتش خشم من بسوزد همه زمین را. در آن زمان زبان پاک به امت ها باز خواهم داد تا جمیع ایشان اسم بیهوه [خدا] را بخوانند و به یک کتف و دوش او را عبادت نمایند. (صفتیا ۳: ۸-۹)

یعنی یک نفر خواهد آمد و همه ادیان، فرمانروایان و امت ها تسلیم او خواهند شد و همه به یک روش و آیین، خدا را عبادت خواهند کرد. جالب این جاست که صفتیای نبی ﷺ حتی به شیوه نماز جماعت مسلمین نیز اشاره فرموده است و می فرماید همه به هنگام نماز هم دوش یکدیگر خدا را عبادت می کنند.

قرآن نیز از زمانی بشارت می دهد که بشریت به یک آیین الهی گرد آیند:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾

(توبه: ۳۳).

در تفسیر این آیه از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمود:

به خدا سوگند هیچ آبادی نمی ماند مگر این که هر صبح و شام در آن شهادت به وحدانیت خدا و رسالت محمدی بدهند. (بحرانی، ۱۴۲۷: ۸۶)

امام صادق علیه السلام نیز در این باره می فرماید:

به خدا سوگند ای مفضل! اختلاف از میان ادیان برداشته می شود و همه به صورت یک آیین درمی آید. همان گونه که خداوند عزوجل می گوید: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران: ۱۹) دین در نزد خدا تنها اسلام است. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۵۲)

در حدیث مفصلی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که خداوند در شب معراج در مورد وصی آخرین

فرمود:

به یقین او را با سپاهیانم یاری می کنم و فرشتگانم را به یاری او می فرستم تا دعوت مرا آشکار سازد و همه بندگانم را بر توحید من گرد آورد. آن گاه سلطنتش را جاوید می سازم و روزگار را تا روز رستاخیز در دست دوستانم می گردانم. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۱۲؛ صدوق، ۱۳۸۵: ج ۱، ۷)

۳. نابودی ظلم و ستم و برقراری عدالت و امنیت در سراسر زمین

در فرازی از کتاب اشعیای نبی علیه السلام در باب نظام قضایی عادلانه در حکومت امام زمان علیه السلام

این گونه بشارت می دهد:

موافق رؤیت چشم خود داوری نخواهد کرد و برفوق سمع گوش های خود مجازات نخواهد نمود. (اشعیای ۱۱: ۳)

این جمله اشاره به سبک قضاوت و حکومت عادلانه آن حضرت دارد که وی بر اساس حق و واقع، حکم می کند و نیازی به شاهد و بینه ندارد؛ بلکه قضاوت او باطنی خواهد بود نه ظاهری. یعنی با علم نبوی و الهی داوری می نماید. همان گونه که انبیاء پیشین هم چون داوود و سلیمان به علم الهی قضاوت می نمودند:

آن گاه منادی آسمانی بانگ بر می آورد که ای اهل عالم! این مهدی است که چون داوود و سلیمان داوری می کند و مطالبه بینه نمی نماید. (نعمانی، ۱۳۶۳: ۳۱۳)

ثمره نظامی که بر اساس حق و واقع باشد و با علم الهی عدالت را در زمین مستقر کند، برقراری عدالت مطلق و نابودی ظلم و ستم در سراسر پهنه گیتی است. یکی از دلایلی که مردم در عصر پس از ظهور رو به صلاح و عدالت می گرایند و کسی نمی تواند نفاق ورزد، استقرار نظام

عادلانه و اجرای حکم از روی باطن و حقیقت اعمال مردم است. زیرا با وجود سیستم باطنی، امکان ارتکاب جرم و مخفی ماندن آن وجود نخواهد داشت. چرا که باطن مردم مشهود است و ظاهر و باطن یکی می‌شود. یکی از معانی ذلیل شدن نفاق در دولت کریمه حضرت که در روایات آمده است: «تُذِلُّ بِهَا النِّفَاقُ وَ أَهْلُهُ» (مفاتیح الجنان: دعای افتتاح)، آن است که منافقین وجود دارند، اما در جامعه ذلیل‌اند و همه آنان را می‌شناسند. بنابراین نمی‌توانند مرتکب جرم شوند. دلیل آن این است که بطون مردم مشهود می‌شود. حضرت امام علیه السلام نیز در این رابطه می‌فرمایند:

در زمان حضرت صاحب، یک عدالت اجتماعی در همه عالم می‌آید، اما نه این‌که انسان‌ها انسان دیگری بشوند. انسان‌ها همان‌ها هستند که یک دسته خوب‌اند و یک دسته بد. منتها آن‌هایی که بد هستند، دیگر نمی‌توانند کارهای خلاف بکنند. (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ج ۲۰، ۳۴۰)

لذا اشعیای نبی در باب تأمین عدالت اجتماعی و امنیت عمومی در حکومت مصلح موعود می‌فرماید که ظلم و ویرانی از زمین برچیده خواهد شد و همه به عدالت رفتار کرده و عادلان، وارثان ابدی زمین خواهند گشت:

و بار دیگر ظلم در زمین تو و خرابی و ویرانی در حدود تو مسموع نخواهد شد و حصارهای خود را نجات و دروازه‌های خویش را تسبیح خواهی نامید... و جمیع قوم تو عادل خواهند بود و زمین را تا به ابد متصرف خواهند شد. (اشعیا ۶۰: ۱۸ و ۲۱)

در مزمور ۷۲ در مورد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و فرزند دادگسترش حضرت مهدی علیه السلام چنین می‌فرماید:

ای خدا! شرع و احکام خود را به ملک و عدالت خود را به ملک زاده عطا فرما! و او قوم تو را به عدالت داوری خواهد نمود و مساکین تو را به انصاف... فرزندان فقیر را نجات خواهد داد و ظالمان را زبون خواهد ساخت. (مزمور ۷۲: ۱-۴ و ۲)

یهودیان معتقدند منظور از پادشاه در این آیه داوود علیه السلام و شاهزاده سلیمان علیه السلام است. لکن داوود علیه السلام هرگز پیامبری نبود که صاحب شریعت باشد. بنابراین شاهزاده نیز نمی‌تواند سلیمان باشد. چرا که در آیه ۸ در توصیف شاهزاده می‌فرماید:

او حکمرانی خواهد کرد از دریا تا دریا و از نهر تا اقصای جهان.

حال آن‌که سلیمان هرگز چنین حکومت فراگیری نداشته است. ضمن این‌که این عبارات، سخنان خود داوود علیه السلام است که در باب سوم شخصی پس از خود سخن می‌گوید و از خدا طلب

می کند که شریعت خویش را به او عطا فرماید. بنابراین مقصود از پادشاه در این جا حضرت محمد بن عبدالله ﷺ است که صاحب شریعت و حدود و احکام می باشد و مقصود از شاهزاده، حضرت محمد بن الحسن العسکری ﷺ است که صاحب عصای آهنین عدالت می باشد و حکومتش بر سراسر زمین سایه می افکند.

از طریق شیعه و سنی نقل شده است که پیامبر اسلام ﷺ در باب برقراری عدالت توسط حضرت مهدی ﷺ فرموده است:

امت اسلامی به سوی او پناه می برند، آن چنان که زنبوران عسل به سوی ملکه خود پناه می برند. عدالت را در سراسر گیتی می گستراند، هم چنان که پر از ظلم و ستم شده، تا جایی که صفا و صمیمیت صدر اسلام را به آن ها باز می گرداند. (سید بن طاووس، ۱۴۰۳: ۱۴۷؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ج ۴، ۴۶۵)

۴. فراوانی نعمت و آبادانی زمین

وفور نعمت و رفاه اجتماعی همگانی در عصر حکومت منجی موعود، مورد اتفاق همگان است. اسلام و یهود نیز در این مورد اتفاق نظر دارند.

در کتاب اشعیای نبی دوران پس از ظهور این گونه توصیف می شود:

بر تل های خشک نهرها و در میان وادی ها چشمه ها جاری خواهیم نمود و بیابان را به برکه آب و زمین خشک را به چشمه های آب مبدل خواهیم ساخت. (اشعیاء ۴۱: ۱۸)

امیر مؤمنان علیه السلام در این باره می فرماید:

در آخرالزمان آن قدر باران بر زمین می بارد و روی زمین سبز و خرم می شود که اگر کسی از عراق تا شام مسافرت کند پای خود را بر زمین نمی گذارد مگر این که آن نقطه سبز و خرم است. حتی به سبب کثرت نعمت، حیوانات درنده و چهارپایان نیز با یکدیگر در آشتی به سر می برند. (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲: ج ۳، ۱۴۴)

در زمان او صالحان خواهند شکفت و وفور سلامتی خواهد بود. او حکمرانی خواهد کرد از دریا تا دریا و از نهر تا اقصی نقاط جهان... فراوانی غله در زمین بر قله کوه ها خواهد رسید. (مزمور ۷۲: ۷-۸ و ۱۶)

به دلیل این که در زمان او مردم به صلاح و تقوا می گریند، می فرماید آن زمان، از آن صالحان خواهد بود. بنابراین به علت از بین رفتن گناه و نیکوکار شدن اهل زمین، برکات زمین و آسمان، روانه اهل زمین خواهد شد. قرآن کریم نیز می فرماید:

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾ (اعراف:

؛(۹۶)

اگر مردم قریه‌ها ایمان آورده و پرهیزگاری پیشه کرده بودند، برکات آسمان و زمین را به رویشان می‌گشودیم.

در مزمور ۶۷ آمده است:

امت‌ها شادی و ترنم خواهند کرد زیرا قوم‌ها را به انصاف حکم خواهی نمود... آن‌گاه زمین محصول خود را خواهد داد. (مزمور ۶۷: ۴ و ۶)

یعنی چون عدالت جاری شود، زمین نیز برکات، محصولات و خزائن خود را بیرون خواهد ریخت. پیامبر اسلام نیز در این باره می‌فرماید:

امت من در زمان مهدی آن‌چنان از نعمت الهی بهره‌مند می‌شوند که هرگز نظیر آن دیده نشده است. آسمان باران رحمتش را سیل آسا بر آن‌ها فرو می‌ریزد. زمین چیزی از گیاهانش باقی نمی‌گذارد جز این‌که آن را می‌رویاند. در آن روز ثروت بر روی هم انباشته می‌شود؛ هرکسی که بیاید و بگوید: ای مهدی! به من عطا کن، می‌فرماید: بگیر. (سید بن طاووس، ۱۴۰۳: ۱۴۹)

و در روایتی دیگر می‌فرماید:

زمین گنج‌هایش را برای او خارج سازد و او اموال بی‌شماری میان مردم تقسیم کند. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۱، ۶۸)

۵. فزونی دانش

در کتاب دانیال آمده است:

در آخرالزمان دانش زیاد خواهد شد. (دانیال ۱۲: ۴)

در اشعیا و حبقوق نیز بر این امر تأکید شده است:

زیرا که جهان از دانش الهی و معرفت خداوند پر خواهد شد. مثل آب‌هایی که دریا را می‌پوشاند. (اشعیا ۱۱: ۹؛ حبقوق ۲: ۱۴)

این مطلب نشان‌گر آن است که عقل‌ها و علم‌ها کامل می‌شود و آیین خداوند جهانی می‌گردد. در واقع در عهد مصلح موعود، تحول عظیم علمی و فرهنگی به وجود می‌آید و درهای علوم و دانش به روی مردمان گشوده می‌شود و عقل‌ها کامل و شکوفا می‌گردد. چنان‌که در حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده است:

هنگامی که قائم ما قیام کند دستش را بر سر بندگان می‌گذارد و عقل‌های آنان را گرد می‌آورد و اخلاق‌شان را کامل می‌گرداند و به وسیله او به رشد و کمال می‌رسند.

(مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۳۶؛ صافی گلیپایگانی، ۱۴۲۲: ۴۸۳)

در حدیث دیگری از ایشان نقل شده است:

در زمان او آن قدر به شما دانش و فرهنگ داده شود که زن خانه دار در خانه خود با کتاب خدا و سنت پیامبر دآوری می کند. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۵۲؛ نعمانی، ۱۳۶۳: ۲۳۹)

ابن میمون، فیلسوف و دانشمند یهودی معتقد است آن چه عصر مسیحا را ممتاز می سازد، دانش الهی و دین است، نه مواهب و معجزات طبیعی؛ به گونه ای که بزرگ ترین نعمت آن روزگار در نظر او این است که انسان، خواهد توانست فارغ از موانع جنگ و ستیز، تمام وقت خود را وقف مطالعه حکمت و عمل به شریعت الهی کند. او علم، حکمت و حقیقت را از ویژگی های آن دوران شکوهمند دانسته و معتقد است که خود مسیحا، از سلیمان، حکیم تر و تقریباً به عظمت موسی خواهد بود. او کلمه خدا را به همه خواهد آموخت و همه امت ها به او گوش فرا خواهند داد. (کرینستون، ۱۳۷۷: ۹۷)

با این اوصاف، می توان گفت در آن زمان، چنان تحول عظیم علمی و فرهنگی به وجود می آید که همه مردمان، به خدای یگانه ایمان خواهند آورد. نیز درهای رشته های گوناگون علم و دانش به روی انسان ها گشوده می شود و راهی را که بشریت در طول تاریخ در هزاران سال پیش به دنبال آن بوده، در زمان کوتاهی می پیماید؛ چرا که عقل ها کامل و اندیشه ها شکوفا می گردد. (عسکری، ۱۳۸۱: ج ۱، ۶۳)

نتیجه گیری

بشارت به ظهور موعود امم و بیان ویژگی های عصر ظهور وی، در منابع مقدس اسلام و یهود به کرات آمده است و این نشان از اهمیت بی حد و حصر این مسئله در تعیین سرنوشت جهان دارد. در کتب مقدس یهود، آخرالزمان و عصر ظهور منجی به معنای دورانی است که منجی موعود بر اقوام پیروز می شود و با شکست اهریمن بر سرتاسر جهان حکم فرما می گردد و صالحان در زمین زندگی سعادت مندانه خواهند یافت. در نظر اسلام نیز آخرالزمان دورانی است که دین خدا کامل می گردد و منجی موعود، حکومت الهی را در سرتاسر زمین برپا کرده و مؤمنان شوکت و عظمت دین الهی و نابودی کفر و باطل را مشاهده می کنند و در نهایت عدل و درستی و ایمان به خدا جاودانه می گردد. به نظر می رسد با وجود برخی تمایزات میان مطالب عهد عتیق و منابع اسلامی، در اصول پیش گویی ها و حوادث مربوط به آخرالزمان اختلاف

نظری وجود ندارد. اگر تمایزاتی نیز در متون عهد عتیق یافت شود تا حد امکان به موارد مشابه بازگردانده می‌شود و چنانچه قابل حل نباشد با توجه به اشتراکات قابل توجه میان دو دین، به آنها اعتنا نمی‌شود. آنچه به نظر می‌رسد این است که تعارض جدی میان مهدی و ماشیح وجود ندارد؛ نه از نظر اسامی و القاب و نه از نظر اصل و نسب و نه ویژگی‌های منجی و پیش‌گویی‌های پس از ظهور وی. در نهایت به این نتیجه می‌رسیم که موعود یهود همان موعود اسلام است.

منابع

- بحرانی، هاشم بن سلیمان، *المحجة فيما نزل في القائم الحجة*، دار المودة، قم، ۱۴۲۷ق.
- حاکم نیشابوری، ابو عبدالله، *المستدرک علی الصحیحین*، دار المعرفة، بیروت، ۱۴۱۸ق.
- حیدر کاظمی، سید مصطفی آل السید، *بشارة الاسلام*، مؤسسه بعثت، تهران، ۱۴۱۰ق.
- سلیمان، کامل، *روزگار رهایی*، مترجم علی اکبر مهدی پور، آفاق، تهران، پنجم، ۱۳۸۶ش.
- سید بن طاووس، علی بن موسی بن جعفر، *الملاحم والفتن*، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ق.
- صادقی تهرانی، محمد، *بشارات عهدین*، شکرانه، قم، چاپ اول، ۱۳۹۲ش.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، *منتخب الأثر*، سلمان فارسی، قم، ۱۴۲۲ق.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین، *علل الشرائع*، مکتبه الداوری، قم، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.
- طبرسی، فضل بن حسن، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۷ش.
- طوسی، ابراهیم بن جعفر بن محمد، *کتاب الغیبه*، مؤسسه الاعلمی، بیروت، ۱۴۰۳ق.
- عسکری، سید مرتضی، «*امام مهدی در آئینه ادیان*»، *مجموعه سخنرانی های اجلاس مقدماتی بررسی ابعاد وجودی حضرت مهدی*، دبیرخانه دائمی اجلاس دوسالانه بررسی ابعاد وجودی حضرت مهدی علیه السلام، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.
- *کتاب مقدس*، عهد عتیق و عهد جدید، ترجمه رابرت بروس، کاراپت اوهانس و دیگران، ایلام، انگلستان، چاپ سوم، ۲۰۰۲م.
- *کتاب مقدس*، عهد عتیق و عهد جدید، ترجمه فاضل خان همدانی، ویلیام گلن، هنری مرتن، اساطیر، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۸ش.
- کرینستون، جولیس، *انتظار مسیحا در آیین یهود*، ترجمه حسین توفیقی، مرکز تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۷۷ش.
- مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ق.
- موسوی خمینی، روح الله، *صحیفه امام*، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، تهران، ۱۳۷۸ش.
- *نرم افزار مژده مخصوص کتاب مقدس*، محصول مسیحیان ایران؛ شامل راهنمای کتاب مقدس و ترجمه قدیم، ترجمه هزاره تو، ترجمه مژده، ترجمه دری، ترجمه تفسیری، و ترجمه انگلیسی ASV.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبه*، انتشارات صدوق، تهران، ۱۳۶۳ش.
- هاکس، جیمز، *قاموس کتاب مقدس*، اساطیر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۳ش.